



گفت‌گو با «رامین سهراب» کارگردان «لایه‌های دروغ»  
می‌خواهم اکشن سینمای ایران را  
به دنیا معرفی کنم



امیرحسین عسگری، کارگردان «برف آخر»:  
حرفه‌ام سینما نیست  
عاشق سینما هستم



عبدالله اسکندری چهره‌پرداز سینما:  
سطح گریم  
از سینما جلوتر است

# لایه‌های اکشن



حسن مصطفوی، تهیه‌کننده «برف آخر»:

احسان علیخانی سرش شلوغ شد  
من تهیه‌کننده «برف آخر» شدم





## یادداشت روز

### چهل سالگی جشنواره فجر

#### ■ مسعود کارگر

چهل سالگی را عموماً سن بلوغ عقلی برمی‌شمارند و هر انسانی به احتمال در این سن به کمال عقلی و فکری می‌رسد و گویند که اگر نرسد دیگر تا آخر عمر، بی‌خرد خواهد ماند و این رسیدن به کمال بیشتر به خود شخص و خواست او نیز بستگی دارد و این خواست ارتباط مستقیمی با محیط، شرایط و از همه مهم‌تر درک و ضرورت سنجی دارد.

انقلاب اسلامی در حالی وارد ۴۳ سالگی و دهه پنجم خود شده که در طول این چهار دهه با فرازونشیب‌های متعددی مواجه و دست و پنجه نرم کرده است و گاه به سوی تعالی و کمال قدم برداشته و در آن موفق بوده و گاه به سکون، درجا زدن و حتی پسرفت در مقاطعی تنزل یافته است. جشنواره فجر نیز که یکی از اعضا و بدنه این انقلاب است در همین شاید و باید‌ها و بسیاری خم و راستی‌ها در تلاطم بوده و گاه به ماهیت اصلی و وجودی خود نزدیک و گاه فرسنگ‌ها دور شده است.

جشنواره فیلم فجر در این ۳۹ سال و در آستانه چهل سالگی علاوه بر تلاطم‌های خودش تا رسیدن به حدودی از مسیر تعالی و کمال به یکباره با بحران جهانی کرونا نیز مواجه شده و طی دو سال اخیر به شرایط خاص و سختی تن داده است که اثر بدی روی روند مرسوم آن گذاشته است.

جشنواره فیلم فجر از اولین روزهای تولد قرار بود یک جشنواره ملی و انقلابی باشد که به سوی اهداف و آرمان‌های تمدنی، میهنی و انقلابی حرکت کند و مجالی برای بارقتاء سطح آثار نمایشی و نیز بستری برای کشف و پرورش استعداد‌های این عرصه باشد و با تولید محتواهایی دغدغه‌مند، علاوه بر ارائه شمه‌ای از هنر بتواند جریان سازی مطلوبی در سطح ملی داشته باشد. اما در خیلی از مقاطع با رویکردهایی سلیقه‌ای یا جناحی این رسالت به حاشیه رفته و دچار افراط و تفریط شده است.

عمده نگاه برخی از اهالی هنر و سینما به این جشنواره، کارزاری برای دیده شدن و نیز بهره بردن از امکانات و تسهیلات مالی، منقول و غیر منقول حاکمیتی و سیستمی در جهت رزومه سازی است و نه یک نگاه هنری، هنر متعالی و جریان سازی ملی یا انقلابی، از این رو بسیاری از دوره‌های این جشنواره ما با تولیداتی مواجه هستیم که هیچ نسبتی با ملت و انقلاب آن نداشته و گاه بر علیه آن و حتی مضامین تمدنی و آیینی قیام کرده است و در نمونه‌هایی کاملاً خنثی و بی‌هیچ دست آورد هنری، فرهنگی و استراتژیکی بوده است.

حال در آستانه چهل سالگی این مهمترین رویداد سینمایی کشور و پس از دو سال درگیری با کرونا و نیز تحریم بخشی از اهالی سینما برای عدم شرکت در آن به‌خاطر وقایع چندسال اخیر، باید دید در دوره جدید مدیریت اجرایی کشور و باسکان داری یک فرد سینمایی سرانجام این دوره چه خواهد شد و به کجا خواهد رسید و آیا یک تحول ساختاری و رویکردی برای حفظ و ارتقا جایگاه ملی و در عین حال انقلابی این آوردگاه خواهد شد و یا کمافی السابق گرفتار سلیقه و جناح‌گرایی شده و پیش می‌رود.

## گفتگو با حسن مصطفوی، تهیه‌کننده «برف آخر»؛

# احسان علیخانی سرش شلوغ شد من تهیه‌کننده «برف آخر» شدم

#### ■ زهرا نجفی

**حسن مصطفوی، تهیه‌کننده فیلم «برف آخر» به کارگردانی امیرحسین عسگری است. مصطفوی پیش از این، یکبار دیگر هم تهیه‌کنندگی را با فیلم «دربست» تجربه کرده بود. ولی از آن تجربه هفت سال می‌گذرد. در تمام طول این سال‌ها، حسن مصطفوی در سینمای ایران به عنوان یک مدیرتولید حرفه‌ای مشغول به فعالیت بوده است. او سابقه همکاری با اصغر فرهادی، محسن تنابنده و نیکی کریمی را در کارنامه‌اش دارد. به گفته خودش برای عنوان کار نمی‌کند، برایش مهم نیست مدیر تولید باشد، مجری طرح یا تهیه‌کننده. فیلم خوب ساختن اولویتش است.**



و گروهی که می‌خواهم با آن‌ها کار کنم. وقتی فیلمنامه «برف آخر» را از ابتدا تا انتها بدون توقف مطالعه کردم، آنقدر برایم جذاب بود و فضای کاملاً متفاوتی داشت که با افتخار آن را پذیرفتم.

■ فضای فیلم «برف آخر» به لحاظ لوکیشن و آب و هوا بسیار سخت به نظر می‌رسد. آیا پیش از این سابقه کار در چنین فضایی را داشتید؟ به خصوص که در دوران شیوع کرونا در چنین آب و هوای سردی فیلمبرداری داشتید. این مساله را چطور مدیریت کردید؟

بله، من چندین فیلم با آقای بهمن قبادی کار کردم؛ هم در کردستان، هم در روستای قاچیان. همچنین در سرما چندین فیلم کار کردم و آشنایی کامل با شرایط سخت این فیلم داشتم. تمام گروه هم از ابتدا به این موضوع واقف بودن و با قبول این موقعیت بود که پذیرفتند در کنار ما باشند. در مورد شرایط کرونا هم بله این فیلم در اوج شیوع ویروس کرونا ساخته شد و تمام پچه‌های گروه پروتکل‌ها را رعایت می‌کردند. ضمن اینکه تیم پزشکی داشتیم که سر صحنه می‌آمدند و از عوامل تست می‌گرفتند. به همین صورت بود که خدا را شکر به کسی آسیبی نرسید و تنها یک نفر از عوامل بود که برای مدت کوتاهی درگیر کرونا شد و حال این شخص هم خیلی زود خوب شد.

■ سخت‌ترین چالشی که در ساخت «برف آخر» با آن مواجه شدید چه بود؟

سخت‌ترین چالشی که داشتیم همین مسائل غیرقابل پیش‌بینی به لحاظ آب و هوا بود که معمولاً کار ما را سخت‌تر می‌کرد. بعضی مواقع به دلیل بارش برف زیاد راه بسته می‌شد، گاهی عوامل در بوران برف و سرما گیر می‌کردند و این شرایط آب و هوایی بود که ساخت فیلم را برایمان سخت‌تر می‌کرد. ولی خوشبختانه آن قدر در گروه همدلی وجود داشت که با رفاقت و مهر این سختی‌ها را از سر گذراندند.

■ در مورد نحوه همکاری‌تان با آقای عسگری بگویید. معمولاً چقدر در کار دست کارگردان را به لحاظ انتخاب بازیگر، لوکیشن و تولید باز می‌گذارید؟

من هیچ مشکلی به لحاظ انتخاب بازیگر، لوکیشن یا امکانات نداشتم. هر آنچه که کارگردان می‌خواست با توجه به بضاعت موجود تمام تلاشم را می‌کردم تا در اختیارش بگذارم. علاقه‌ای ندارم که در کار کارگردان دخالت کنم. اما خود آقای عسگری هم آنقدر کارگردان درجه یکی هستند که با تمام شرایط ما بسیار سازگار بودند.

■ از آنجا که برخی تا آخر عمر در یک رشته فعالیت می‌کنند برای شما این مسیر چگونه است؟ چون شما بعد از تهیه‌کنندگی دوباره به سراغ مدیریت تولید رفتید و بعد دوباره به سراغ تهیه‌کنندگی آمدید. مهم‌ترین دغدغه شما در مسیر تهیه‌کنندگی چیست؟ آیا «برف آخر» در راستای همین دغدغه است؟

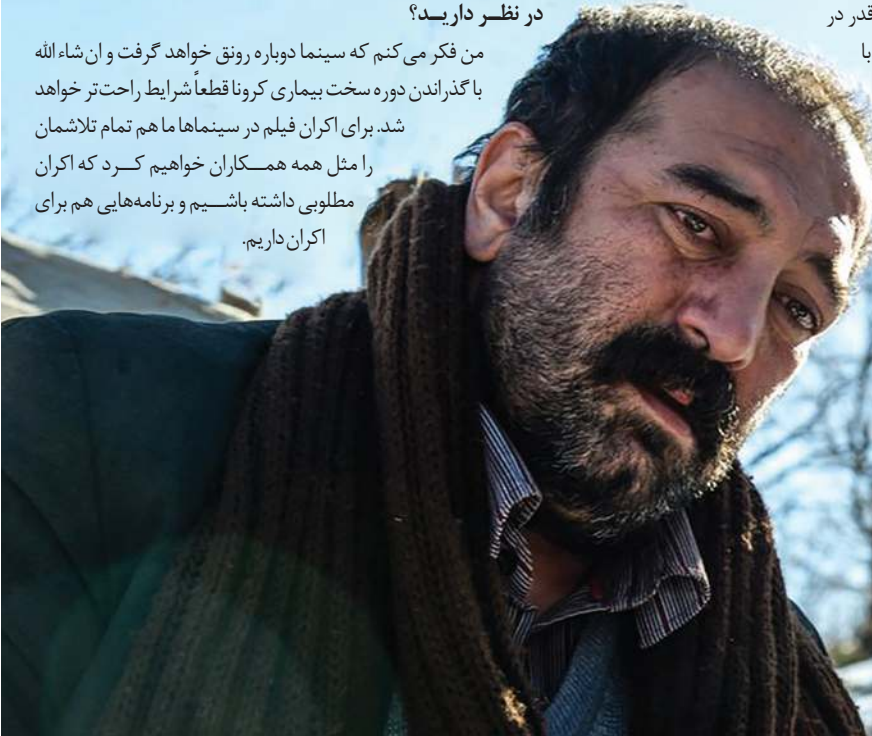
بله، کاملاً اینطوری است که شما گفتید. ولی من همچنان خودم را یک مدیر تولید حرفه‌ای می‌دانم و در تهیه‌کنندگی ادعایی ندارم. من سال‌هاست که عاشق سینما هستم و تمام زندگی‌ام را برایش گذاشتم و در این سال‌ها تلاشم این بوده است که فیلم خوب و دغدغه‌مند کار کنم. مهم‌ترین نکته برای من خود فیلم است، نه عنوانی که در آن فیلم به من داده می‌شود. هیچ‌وقت این که عنوانم مدیر تولید باشد، یا مجری طرح یا تهیه‌کننده برایم مساله نبوده است. اینکه فیلمی خوبی ساخته شود، مخاطب را به تفکر وادارد و تاثیر گذار باشد، برایم بسیار مهم‌تر است. به همین دلیل دوباره به سمت تهیه‌کنندگی رفتم و «برف آخر» را تهیه کردم چون جنس این فیلم از آن فیلم‌هایی است که مخاطب را به فکر فرومی‌برد و باعث می‌شود تا با شخصیت‌ها درگیر شود.

■ فضای جشنواره فیلم فجر امسال را چطور می‌بینید؟ آیا انتظار واکنش‌های مثبت از منتقدان و داوران جشنواره را دارید؟

فضای جشنواره که همیشه به یک شکل بوده است، ولی اتفاقی که ما چرا را سخت‌تر می‌کند، ممیزی‌هایی است که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد به ما ابلاغ می‌شود. وقتی با مسئولان ارشاد صحبت می‌کنیم، متوجه می‌شویم که بخشی از این فشارها از خارج از وزارت ارشاد به آن‌ها وارد می‌شود. اما چیزی که آن‌ها باید در نظر بگیرند این است که ما «برف آخر» را با سرمایه صدرصد شخصی ساخته‌ایم. من و احسان علیخانی برای ساخته شدن این فیلم پول گذاشته‌ایم و این شرایط سخت و ممیزی‌ها به صاحبان و مالکان فیلم می‌تواند آسیب جدی بزند. چون برخی از این سانسورها و ممیزی‌ها به فیلم لطمه می‌زند و باعث می‌شود که فیلم نتواند سرمایه‌اش را بازگرداند و این موضوع باعث می‌شود که ما دیگر رغبتی به فعالیت در این عرصه نداشته باشیم. در مورد واکنش مثبت منتقدان یا داوران نمی‌توانم اظهار نظر قطعی بکنم ولی مهم این است که ما همه تلاشمان را کرده‌ایم تا فیلم خوبی بسازیم.

■ با توجه به فضای کنونی سینما که به دلیل شیوع کرونا، ظرفیت آن کاهش یافته و اکران آنلاین بسیار مورد توجه قرار گرفته است. چه برنامه‌ای اکران «برف آخر» در نظر دارید؟

من فکر می‌کنم که سینما دوباره رونق خواهد گرفت و ان‌شاء‌الله با گذراندن دوره سخت بیماری کرونا قطعاً شرایط راحت‌تر خواهد شد. برای اکران فیلم در سینماها ما هم تمام تلاشمان را مثل همه همکاران خواهیم کرد که اکران مطلوبی داشته باشیم و برنامه‌هایی هم برای اکران داریم.







گفتگو با امیرحسین عسگری  
کارگردان «برف آخر»:

## حرفه‌ام سینما نیست عاشق سینما هستم



■ در مورد انتخاب بازیگران بگویید. آیا تمام بازیگران اصلی، انتخاب‌های اول شما بودند؟ آیا حضور امین حیایی و مجید صالحی که بیشتر به عنوان بازیگر طنز شناخته می‌شوند، در فیلم شما که به نظر فضای جدی دارد برایتان ریسک نبود؟

به نظرم خطر کردن است که پس از گذشتن از خط پایان در هر مسیری شما را بر آن وامی‌دارد که با نگاه به عملکرد خود احساس رضایت کنید یا بالعکس. در مورد همکاری با بازیگران «برف آخر» باید بگویم، امین حیایی در بازیگری به مرزی از پختگی و جسارت رسیده که همکاری با او هر فیلمسازی را به وجد می‌آورد. مجید صالحی با معرفت که تلاش و ممارست او در خلق لحظه حیرت‌آور است. لادن مستوفی چنان اندازه به نقش جان می‌دهد که گویی خود کارکنتر است و این اعجاب‌انگیز است.

■ جشنواره فیلم فجر چهلم، جشنواره فیلمسازان جوان است و نسل متفاوتی از فیلمسازان با فیلم اول یا دوم خود وارد جشنواره شده‌اند. به نظر شما این رقابت، چطور رقابتی می‌تواند باشد؟ به نظر شما سینمای این نسل از چه جنسی است و چه دغدغه‌ای دارد؟

زیبایی هنر این است که چهارچوب ندارد، به این معنا که اگر گل بیشتری وارد دوازه حریف کنی برنده خواهی بود یا اگر دو امتیاز بیشتر کسب کنی قهرمان می‌شوی. ما در خلق اثر حالا چه مجسمه باشد یا نقاشی و چه نمایش باشد یا سینما، با سلاقی گوناگونی مواجه هستیم. پس به این ترتیب، زمانی که حرف از سلیقه به میان می‌آید رقابت معنایش را از دست می‌دهد. به این معنا که یا جهانی را که خلق کرده‌ایم درک کرده و دوست می‌دارند و یا براساس سلیقه آن‌ها نیست و از آن عبور می‌کنند. زیبایی و جذابیت هنر در همین است که پایان ندارد. پس دائماً باید برای تعالی آن کوشید. به نظرم جشنواره فجر موقعیت جذابی است برای گردهمایی خانواده سینما.

■ زهرا نجفی  
امیرحسین عسگری بعد از حدود شش سال غیبت در جشنواره فیلم فجر با فیلم «برف آخر» به چهلمین جشنواره فیلم فجر بازگشته است. او برای ساخت فیلم «بدون مرز» از جشنواره‌های متعددی جایزه گرفت، از جمله جایزه ویژه هیات داوران بخش نگاه نو سی‌وسومین جشنواره فیلم فجر. ولی عسگری دلیل غیبت چند ساله‌اش را سخت‌گیری به واسطه گرفتن جایزه‌های متعدد نمی‌داند. او درباره قیمت ارز صحبت می‌کند که در واقع فیلم دومش را نیمه‌تمام گذاشته است. و حالا عسگری با «برف آخر» برگرفته از داستان‌های محمد صالح علاء، با حال و هوای داستان‌های جلال احمد به این دوره از جشنواره آماده تا دومین فیلمش را به نمایش بگذارد. به بهانه حضور این فیلمساز جوان بعد از مدت‌ها در جشنواره فیلم فجر با او به صحبت نشستیم.

کار بردند و زحمت بسیاری کشیدند که فیلمنامه «برف آخر» بعد از حدود دو سال به سر انجام برسد. فیلمنامه‌ای که با وجود فاصله‌ای که از داستان استاد محمد صالح علاء گرفته ولی روحش را مدیون داستان جلال آباد است.

■ به نظر می‌رسد «برف آخر» فضای متفاوتی نسبت به «بدون مرز» دارد. خودتان مسیر فیلمسازی‌تان را تاکنون چطور می‌بینید؟ آیا شما فیلمسازی هستید که راه خودتان را پیدا کرده‌اید و می‌خواهید در یک مسیر مشخص قدم بگذارید یا به دنبال این هستید که سینما را با فضاهای متفاوت تجربه کنید؟

آیا اساساً باید دنبال پیدا کردن راه گشت یا ما دائماً در راه و مسیر هستیم؟! در زندگی تنها به دنبال تجربه کردن هستیم. کسب تجربه برای رسیدن به آگاهی، رسیدن به آگاهی برای درک کردن، درک کردن آن چیزی که مرا از درون به بیرون متصل کند.

احساس می‌کنم که سینما برای من راه است و برف آخر هم ایستگاهی بود در این مسیر.

آن فیلمنامه را کنار بگذارم و به قصه‌ای دیگر فکر کنم. قصه‌ای ارزانتر و نزدیک‌تر به تولید و البته به ریال، بدین شکل بود که «برف آخر» آغاز شد.

■ در مورد شکل‌گیری سوژه «برف آخر» بگویید. سوژه و طرح فیلمنامه از چه کسی است؟ چطور شد که فیلمنامه این فیلم را گروهی نوشتید؟ همکاری بین شما، امیرمحمد عبدی و سید حسن حسینی چطور بود و نگارش فیلمنامه «برف آخر» چه مدت طول کشید؟

در مواجهه با یکی از داستان‌های کوتاه استاد محمد صالح علاء مدهوش شدم، طوری که مدت زمان طولانی رها می‌کردم و دائماً من را به درون خود می‌کشید. تصمیم گرفتم با رخصت از ایشان نوشتن طرح و پلات قصه را آغاز کنم. در ابتدا بسیار سخت بود داستان مسیری را برای روایت انتخاب کرده بود که برای تبدیل شدن به سینما باید مسیر پر پیچ و خمی را می‌پیمودم. به طرح کلی رسیدم و سید حسن حسینی و امیرمحمد عبدی به کمک من آمدند و هر چه توان داشتند به

■ حدود شش سال از ساخت اولین فیلم سینمایی شما «بدون مرز» می‌گذرد، علت این فاصله زمانی چیست؟ آیا بعد از کسب اولین جایزه سخت‌گیر شدید، یا علت دیگری داشت؟ انتخاب گاهی از روی اختیار است گاهی از سر جبر. ناگزیر باید بپذیریم که امروزه به دلایل مختلف اعم از درگیری‌های شدید اقتصادی و مسائل بغرنج اجتماعی، جبر پیروزمندانه می‌تازد. می‌گویند خوشبخت‌ترین انسان کسی است که به کاری که دل بسته، مشغول است و چه دردناک است که فیلمساز، فیلمی که دوست ندارد می‌سازد.

من همواره تلاش می‌کنم که به اختیار، انتخاب کنم حتی به قیمت رنج. من حرفه‌ام سینما نیست، عاشق سینما هستم. اگر به عنوان حرفه به این کار نگاه کنم ناگزیر سروکله جبر پیدا می‌شود. معتقد هستم عشق زمانی که در دایره تکرار اسیر شود، معنای اصیل خود را از دست داده و بی‌طراوت می‌شود.

بعد از «بدون مرز» درگیر موضوعی شدم که نگارش فیلمنامه آن دو سال طول کشید. فیلمنامه‌ای که بسیار دوستش می‌داشتم. کل قصه فیلم در یکی از کشورهای اروپایی رخ می‌داد. به ترکیب جذابی از بازیگران ایرانی، ترک و آلمانی رسیدیم و پس از دوماه پیش تولید بدون وقفه در آلمان، مجبور شدیم که دست خالی به ایران برگردیم. چون یورو، ریال را بلعیده بود و ساخت آن تقریباً غیر ممکن به نظر می‌رسید. این شد که تصمیم گرفتم



زیبایی و جذابیت هنر در همین است که پایان ندارد.  
پس دائماً باید برای تعالی آن کوشید. به نظرم جشنواره فجر موقعیت جذابی است برای گردهمایی خانواده سینما





**برگ برنده و نکات جالب**  
هر دو اثر اکرانی روز



## برف آخر

**برگ برنده:** حضور امین حیایی و مجید صالحی  
**نکته جالب:** فضای برقی فیلم، گریم متفاوت امین حیایی و حضور احسان علیخانی پس از چندسال در سینما

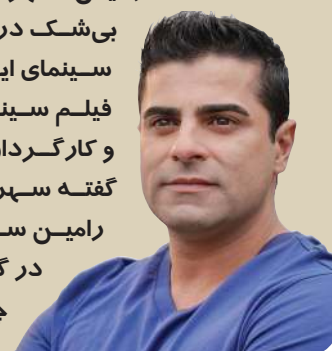
گفت‌گو با «رامین سهراب»

نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان «لایه‌های دروغ»

# می‌خواهم اکشن سینمای ایران را به دنیا معرفی کنم

■ تبسم کشاورز

رامین سهراب از وقتی که ایده ابتدایی «لایه‌های دروغ» را در ذهن می‌پروراند، بی‌شک در پی خلق یک فیلم اکشن امروزی بوده است. ژانری که چه در سینمای ایران چه در سینمای فنلاند کمتر به آن پرداخته می‌شود. فیلم سینمایی «لایه‌های دروغ» که اولین اثر رامین سهراب در مقام نویسنده و کارگردان است محصولی مشترک از سینمای ایران و فنلاند است که به گفته سهراب با حمایت سفیر فنلاند ساخته شده است. رامین سهراب، بازیگر، نویسنده و کارگردان فیلم سینمایی «لایه‌های دروغ» در گفت‌وگویی با روزنامه صبا به سوالات ما در خصوص این فیلم و چالش‌هایش پاسخ داده است که در ادامه می‌خوانید.



■ با توجه به اینکه کارگردان‌های ایرانی رو به زانرهای می‌آوردند که مضامین درام داشته باشند چه شد که شما ژانر اکشن را انتخاب کردید. ژانری که کمتر روی آن دست گذاشته می‌شود.

من از کودکی رزمی کار می‌کردم و کلا با اکشن بزرگ شدم. هر روز تمرین ورزش‌های رزمی می‌کردم. همه این‌ها از کودکی در من نهادینه شد. از ابتدا قصد این بود که سینمای اکشن ایران را به دنیا معرفی کنم. در ایران آنقدرما فیلم‌های آپارتمانی و غمناک می‌بینیم که پیش خودم فکر کردم چرا باید من هم همان ژانر را تکرار کنم. حقیقتا ریسک بسیار بزرگی کردم یا مخاطبان کار را دوست خواهند داشت یا می‌گویند این چه چیزی است که ساخته‌اید.

■ در خصوص ایده فیلمنامه «لایه‌های دروغ» بگویید.

ایده فیلمنامه از من بود. داستان بسیار پیچیده‌ای نیست چرا که فیلم اکشن است. اگر دقت کرده باشید در فیلم‌های اکشن شخص یا یک چیزی را از دست می‌دهد یا باید چیزی را به دست بیاورد. تماشاچی هم با هیجان کار را دنبال می‌کند تا ببینید شخصیت اصلی

فیلم در نهایت به خواسته‌اش می‌رسد یا خیر.

من در وهله اول قصد معرفی سینمای اکشن ایران به دنیا بود. «لایه‌های دروغ» در خصوص زندگی یک آتش‌نشان است. خود این شغل بسیار شریف است و کمتر کسی در حقیقت به سراغ این حرفه می‌رود به نظر خود آتش‌نشان‌ها قهرمان هستند و در فیلم من هم قهرمان یکی از آن‌هاست. فکر کردم که این آتش‌نشان باید درامی داشته باشد. در داستان مشکلاتی برایش پیش می‌آید که قصد دارد از ایران خارج شود اما به خاطر عشق خوشبختی خود را پیدا می‌کند.

■ فنلاند هم مانند ایران سینمای اکشن قوی‌ای ندارد. چرا فنلاند را به عنوان همکار خود انتخاب کردید؟ شنیده شده که «لایه‌های دروغ» با حمایت شخص سفیر فنلاند ساخته شده است. این قضیه چقدر صحت دارد؟

کاملا درست می‌گویید. فنلاند هم آنچنان سینمای اکشن قوی‌ای ندارد. من گفتم حالا که دارم ریسک می‌کنم بهتر است دست روی این موضوع بگذارم و سینمای اکشن ایران و فنلاند را باهم به دنیا

معرفی کنم حالا یا جواب می‌دهد یا نه.

متاسفانه کشور فنلاند اصلا ما را حمایت نکرد تنها حمایت ما از طرف سفیر فنلاند بود که بسیار به ما کمک کرد. همانطور که می‌دانید ارشاد در ایران هم به راحتی مجوز به فیلمسازان فیلم اولی نمی‌دهد. سفیر فنلاند در این امر بسیار به ما یاری رساند، به ایران آمد و چندین جلسه با ارشاد جلسه گذاشتیم و در خصوص کار صحبت کردیم.

■ سینمای اکشن ما وامدار افرادی چون «ساموئل خاچیکیان» و بازیگرانی چون «جمشید هاشم‌پور» است.

گویا شما در کودکی با جمشید هاشم‌پور همکاری داشته‌اید در این باره بگویید. من در پنج سالگی نقش کوچکی در فیلم سینمایی «یاران»

کنار «جمشید هاشم‌پور» داشتم. اتفاقا برای «لایه‌های دروغ» به سراغ ایشان هم رفتم

آقای هاشم‌پور مرا یادشان بود و گفت و گوی خوبی باهم داشتیم. در ابتدا ما در فیلممان نقش یک مربی را داشتیم که متاسفانه این نقش بعد از فیلمنامه حذف شد. حقیقتا بسیار دوست داشتم آقای هاشم‌پور نقش مربی من را در فیلم بازی کنند که نشد. چرا که اولین ادیت فیلممان ۱۵۰ دقیقه بود به همین دلیل مجبور شدیم کار را کوتاه‌تر کنیم.

■ در لیست بازیگران نام «روشنک گرامی» و «آرمان درویش» دیده می‌شود. کمی در خصوص انتخاب بازیگران فیلم برایتان بگویید.

ما خانم «روشنک گرامی» را در فیلم نداریم، «آرمان درویش»

کنار «جمشید هاشم‌پور» داشتم. اتفاقا برای «لایه‌های دروغ» به سراغ ایشان هم رفتم

آقای هاشم‌پور مرا یادشان بود و گفت و گوی خوبی باهم داشتیم. در ابتدا ما در فیلممان نقش یک مربی را داشتیم که متاسفانه این نقش بعد از فیلمنامه حذف شد. حقیقتا بسیار دوست داشتم آقای هاشم‌پور نقش مربی من را در فیلم بازی کنند که نشد. چرا که اولین ادیت فیلممان ۱۵۰ دقیقه بود به همین دلیل مجبور شدیم کار را کوتاه‌تر کنیم.

■ در لیست بازیگران نام «روشنک گرامی» و «آرمان درویش» دیده می‌شود. کمی در خصوص انتخاب بازیگران فیلم برایتان بگویید.

ما خانم «روشنک گرامی» را در فیلم نداریم، «آرمان درویش»

کنار «جمشید هاشم‌پور» داشتم. اتفاقا برای «لایه‌های دروغ» به سراغ ایشان هم رفتم

آقای هاشم‌پور مرا یادشان بود و گفت و گوی خوبی باهم داشتیم. در ابتدا ما در فیلممان نقش یک مربی را داشتیم که متاسفانه این نقش بعد از فیلمنامه حذف شد. حقیقتا بسیار دوست داشتم آقای هاشم‌پور نقش مربی من را در فیلم بازی کنند که نشد. چرا که اولین ادیت فیلممان ۱۵۰ دقیقه بود به همین دلیل مجبور شدیم کار را کوتاه‌تر کنیم.

■ در لیست بازیگران نام «روشنک گرامی» و «آرمان درویش» دیده می‌شود. کمی در خصوص انتخاب بازیگران فیلم برایتان بگویید.

ما خانم «روشنک گرامی» را در فیلم نداریم، «آرمان درویش»

کنار «جمشید هاشم‌پور» داشتم. اتفاقا برای «لایه‌های دروغ» به سراغ ایشان هم رفتم

آقای هاشم‌پور مرا یادشان بود و گفت و گوی خوبی باهم داشتیم. در ابتدا ما در فیلممان نقش یک مربی را داشتیم که متاسفانه این نقش بعد از فیلمنامه حذف شد. حقیقتا بسیار دوست داشتم آقای هاشم‌پور نقش مربی من را در فیلم بازی کنند که نشد. چرا که اولین ادیت فیلممان ۱۵۰ دقیقه بود به همین دلیل مجبور شدیم کار را کوتاه‌تر کنیم.

■ در لیست بازیگران نام «روشنک گرامی» و «آرمان درویش» دیده می‌شود. کمی در خصوص انتخاب بازیگران فیلم برایتان بگویید.

ما خانم «روشنک گرامی» را در فیلم نداریم، «آرمان درویش»

کنار «جمشید هاشم‌پور» داشتم. اتفاقا برای «لایه‌های دروغ» به سراغ ایشان هم رفتم

آقای هاشم‌پور مرا یادشان بود و گفت و گوی خوبی باهم داشتیم. در ابتدا ما در فیلممان نقش یک مربی را داشتیم که متاسفانه این نقش بعد از فیلمنامه حذف شد. حقیقتا بسیار دوست داشتم آقای هاشم‌پور نقش مربی من را در فیلم بازی کنند که نشد. چرا که اولین ادیت فیلممان ۱۵۰ دقیقه بود به همین دلیل مجبور شدیم کار را کوتاه‌تر کنیم.

■ در لیست بازیگران نام «روشنک گرامی» و «آرمان درویش» دیده می‌شود. کمی در خصوص انتخاب بازیگران فیلم برایتان بگویید.

ما خانم «روشنک گرامی» را در فیلم نداریم، «آرمان درویش»

کنار «جمشید هاشم‌پور» داشتم. اتفاقا برای «لایه‌های دروغ» به سراغ ایشان هم رفتم

آقای هاشم‌پور مرا یادشان بود و گفت و گوی خوبی باهم داشتیم. در ابتدا ما در فیلممان نقش یک مربی را داشتیم که متاسفانه این نقش بعد از فیلمنامه حذف شد. حقیقتا بسیار دوست داشتم آقای هاشم‌پور نقش مربی من را در فیلم بازی کنند که نشد. چرا که اولین ادیت فیلممان ۱۵۰ دقیقه بود به همین دلیل مجبور شدیم کار را کوتاه‌تر کنیم.

### شمایل یک فیلم

**فیلم:** لایه‌های دروغ  
**ژانر:** اکشن  
**کارگردان:** رامین سهراب با فیلم «ویلون» فیلمسازی را

آغاز کرد.

**تهیه‌کننده:** رامین سهراب، محسن صرافی و یوننا انروث  
محسن صرافی در مقام تدوینگر فیلم «زن سمی» را در کارنامه

دارد.

**بازیگران:** کامران تقتی، نادر فلاح و ارسلان قاسمی  
«مرگ کسب‌وکار من است» و «پایان‌نامه» از آثار سینمایی



## گفتگوی کوتاه

**پژمان جمشیدی:**  
کاراکترم در «علفزار» شریف و  
درونگراست

■ حانیه جهانیان

«پژمان جمشیدی» که برای اکران «علفزار» در کاخ جشنواره حاضر شد، در خصوص جزئیات اکران فیلمش صحبت کرد.

شما امسال یکی از پرکارترین بازیگران جشنواره‌اید و همین‌طور یکی از پیش‌بینی‌های سیمرغ، نظر خودتان در این مورد چیست؟ هر چه خدا بخواهد،



واقعا سیمرغ مهم است اما نه به اندازه جشنواره و ذات آن، امیدوارم حق به حق دار برسد و هر کس که حق دارد به روش‌های مختلف جایزه را بگیرد. من هم «علف زار» و «بی‌مادر» را امسال در بین آثار دارم و هر دو اثر کارگردان فیلم‌اولی

بودند. برای من افتخاری بود که به عنوان فیلم اول این کارگردان بازی کردم. در نهایت آرزو می‌کنم که اتفاق بدی برای دوستانی که به سالن می‌آیند و فیلم را می‌بینند نیفتد. رعایت کنند، ماسک بزنند و فاصله‌های اجتماعی را رعایت کنند تا بقیه جشنواره به نحوه احسن پیش برود.

حرف‌های بسیاری درباره «علفزار» وجود دارد، اول اینکه یکی از منتقدین درباره «کاظم دانشی» گفته بود: به نظر نمی‌رسد دانشی یک کارگردان فیلم اولی باشد! اصلا انتخاب این سوژه برای یک کارگردان کار اولی ریسک بالایی دارد. من چون فیلم را ندیدم نمی‌توانم نظری بدهم اما من فکر می‌کنم این کاراکتر بسیار انسان شریف و درونگرایی‌ست که نقش سختی بود اما امیدوارم خوب از آب درآمده باشد. از آنجایی که در همین روز فیلم «شادروان» هم اکران شد، به نظر شما چرا آثار طنز در قضاوت و فجر جدی گرفته نمی‌شوند؟

طنز نیاز جامعه ماست و باید به شکلی باشد که خانواده در کنار یکدیگر بتوانند آنها را تماشا کنند. روزهای سختی را این دو سال به واسطه کرونا و مسائل اقتصادی گذرانیدیم به همین علت نیاز است ملت کمی بخندند، شاد باشند.

به نظرم سینمای کمدی بخش مهمی‌ست؛ اما اینجاست مثل سایر نقاط دنیا خیلی در جشنواره‌ها جدی گرفته نمی‌شود. دلیل آن را نمی‌دانم؛ اما در بخش بازیگری که به کار خودم مربوط می‌شود، بسیار سخت است؛ یعنی واقعا بازی کمدی بسیار دشوار است و امیدوارم جشنواره‌ای مستقل و جدا را برای آن در نظر بگیرند؛ اینطور مزد دوستانی که کمدی کار می‌کنند هم داده می‌شود.

**برگ برنده:** فضای اکشن و پروداکشن

حجیم آن

**نکته جالب:** همکاری کمپانی فیلم سازی فنلاند با این

پروژه

## لایه‌های دروغ



هم در ابتدای فیلم نقش کوتاهی دارد. اتفاقا در خصوص این قضیه صحبت خواهیم کرد اما اجازه بدهید بعد از اکران فیلم در جشنواره باشد.

حقیقتا من دوست نداشتم فیلمی را بسازم که روی پل‌های تهران چهارتا عکس صورت بازیگران باشد و مردم برای بیلپورد و تبلیغات فقط فیلم من را ببینند.

من کمی از این شاکی هستم که چرا در ایران فیلم می‌سازند و بعد تمرکزشان روی این است که چه کسی در آن بازی می‌کند. اصلا به داستان و ساخت خوب فیلم توجهی ندارند.

کاراکترهای فیلم برای من بسیار اهمیت دارند. از ابتدا سراغ بازیگران خوب رفتم و از آن‌ها تست گرفتم. این فیلم قرار است در آمریکا و اروپا پخش شود بنابراین بازی‌ها باید در سطح بین‌المللی باشد. برای مثال من «محمد رضا گلزار» را برای فیلمم می‌آورم و به او یک میلیارد پول می‌دهم اما هفت روزم بیشتر با او وقت ندارم چگونه من در هفت روز گلزار را کاراکتر کنم؟ این برای من یکی از این معضلات بود.

راستش را بخواهید با خیلی از بازیگران خوب ایرانی تماس گرفتم اما بسیار بد با من صحبت می‌کردند. با یکی از هنرپیشه‌های مطرح ایرانی تماس گرفتم و برایش راجع به کار توضیح دادم او شروع به داد و بیداد کرد و گفت ما در ایران کلی کار اکشن داریم تو چه می‌گویی. به کلی من را از زنگ زدن پشیمان کرد.

در کل الان لیست بازیگران ایرانی ما الان شامل «رامین سهراب»، «مجید سعیدی»، «نادر فلاح»، «کامران تفتی»، «ارسلان قاسمی» و «ونوس کانلی» است. آن اسم‌هایی که شما نام بردید در خبرهای سه سال پیش ما از فیلم منتشر شده بودند اما بعد نامشان بزرگ شد و ترجیح دادند دیگر با ما همکاری نکنند.

«روزبه کلباسی» ست. از دیگر فیلم‌های سینمایی که او تدوین کرده «من دیوانه نیستم» از «علیرضا امینی» است.

«کامران تفتی» هستند. سرمایه‌گذاران: بنیاد سینمایی فارابی و سونرام پروداکشن سایر عوامل مطرح: تدوین فیلم «لایه‌های دروغ» به عهده



گفتگو با کامران جاهدی، کارگردان مستند «تفنگ برادرم»:

# خیلی‌ها می‌خواهند خواهر بسیطی را از تاریخ حذف کنند

■ صبا جهانگیریان

کامران جاهدی سال‌هاست به عنوان تدوینگر در سینما فعالیت دارد و آثار متعدد از سینمای مستند تا داستانی در روزمه‌اش دارد. «تفنگ برادرم» نام اثر مستندی‌ست که کامران جاهدی کارگردانی و تهیه‌کنندگی آن را بر عهده گرفته تا داستان «نصرت خدایاری»، معروف به خواهر بسیطی را به تصویر بکشد. در مورد «تفنگ برادرم» صحبت کوتاهی با این مستندساز داشتیم تا به آشنایی بیشتری در مورد این اثر مستند دست یابیم.

■ موضوع اصلی فیلم و مضمونش چیست؟

مستند تفنگ برادرم درباره مهم‌ترین زن قهرمان تاریخ معاصر یا حتی شاید کل تاریخ ایران است. با توجه به مطالعاتی که من کردم زنی به این رشادت و شجاعت در تاریخ وجود ندارد. خواهر بسیطی دارای یک کاراکتر چند وجهی بوده‌اند. به طوریکه همزمان با برگزاری جلسات قرآنی، پیگیر مباحث عرفانی و طبع شاعری هم بودند، موازی با فعالیت‌های اجتماعی‌اش به خیل پیروان امام خمینی در مبارز با رژیم پیوسته بودند و این مهم در کرمانشاه دهه ۵۰ برای یک زن کار بسیار سختی بود. در عین حال ابعاد زنانه خود را حفظ کرده بود. ایشان در معاشرت با دوستان اهل ادبیاتش با مشاعره گفتگو می‌کردند و اما میزان علاقه‌اش به نهج‌البلاغه بطوری بوده که همیشه یک نسخه کوک همراهش داشته است.

او در همان روز حمله بعثی‌ها بعد از سقوط قصر شیرین که باعث شده بود مردم آن‌جا را تخلیه کنند همراه با بیست نفر دیگر در شهر ماند و موفق شد که لشکر دوازده عراق را که جمعیت آن حدود ده هزار نفر بود شکست دهد. خواهر بسیطی در واقع قلب و هسته اصلی این نبرد بود و دوشادوش مردان می‌جنگید. آنها شبانه آب زمین‌های کشاورزی را به سمت دشتی که حد فاصل گیلانغرب و قصر شیرین بود هدایت می‌کنند و بدین ترتیب تمام ادوات زرهی بعثی‌ها در آن دشت زمین‌گیر می‌شود!

خواهر بسیطی تیرانداز قهاری

بوده خانم فاطمه نواب

صفوی «فرزند شهید

نواب صفوی» که از

عکاسان مهم دفاع

مقدس هستند نیز

این موضوع را تأیید

کرده‌اند. همین چند

فریم عکس خوبی که از

ایشان موجود است حاصل سفر چند روزه خانم نواب صفوی به گیلانغرب است که به پیشنهاد «شهید چمران» برای عکاسی و گفتگو با خواهر بسیطی صورت گرفته، و در همان سال عکس‌ها و گفتگو با ایشان با تیترو زنی به استقامت کوه در مجله زن روز چاپ شده است.

■ از اقدامات ایشان بیشتر بگویید؟

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که ایشان انجام می‌داده تفحص شهیداد بوده است. به طور مثال زمانی که موشک به یک خانه، مسجد یا مدرسه می‌خورد، خواهر بسیطی سریعاً خود را می‌رسانده و تکه‌های جنازه‌ها را جمع می‌کرده و آن‌ها را کنار هم قرار می‌داده است. در زمانی که یکی از عضوهای بدن شهید را پیدا نمی‌کرده، آن را با پنبه، باند و چوب شبیه‌سازی می‌کرد سپس در کفن قرار می‌داده است. یکی از نزدیکان خواهر بسیطی از او علت این کار سوال کرد، خواهر بسیطی در پاسخ گفت: «اگر افراد خانواده این شهید او را بدون سر یا دست ببینید، شاید تاب نیاورند و دیوانه شوند»

او هشت سال تمام این کارها را انجام می‌داده، به طوری که در حد جراحی حاذق تجربه کسب کرده است اما مهم‌ترین موضوع درباره او را رئیس وقت بنیاد شهید می‌گوید: «ما دیر متوجه شدیم

اما خواهر بسیطی در جنگ خدا را پیدا کرد.»

این زن خیلی ابعاد عجیبی دارد اما متأسفانه یا خوشبختانه در سینمای مستند باید با تکیه بر اسناد و مدارک اثری تولید کرد و من تا جایی که اسناد وجود داشت، پیش رفتم. به طور مثال گفته می‌شد که خواهر بسیطی دیوان شعر داشته و گویا شعر روی سنگ قبرش را نیز خودش سروده اما من سند قابل‌اعتنایی پیدا نکردم و برای مطرح کردن این موضوع حداقل باید عکس دیوان شعر را نشان می‌دادم تا مخاطب بپذیرد. همچنین به بعد عرفانی ایشان نیز به همین دلیل اشاره‌ای نکردم.

■ چرا این سوژه و این

شخصیت؟

متأسفانه پس از جنگ از جانب برخی افراد تنگ نظر در حق این بانوی بی‌بدیل جفا شد و قلبش را شکستند و مزد جانفشانی‌هایش را با توهین و تخریب دادند. من به شخصه دو سال است در حال جنگ هستم تا این زن از تاریخ حذف نشود. از سوی افرادی که با او دشمن بودند، تهدید شدم. این دشمنی نیز از آنجایی سرچشمه می‌گیرد که تعداد



مشاور کارگردان: مصطفی رزاق کریمی / مشاور هنری: محمدرضا دلپاک / مجری طرح: سیدزهرا اصولی / نویسنده: حامد عزیزی / فیلمبردار: ضیا حاتمی / تدوین: پژووش کامران جاهدی / صدابردار: محمدسلمان کاملی / صداگذار: شاهین خاتکپور / مانیست و طراح پوست: علیرضا مختاری / دستیار کارگردان: صبا عظیم‌پور / جانسپین تهیه‌کننده: مهدی شرفی / تهیه‌شده در شبکه ۱۳

زیادی از مردانی آن زمان

در حد این زن شجاع نبودند و با دلآوری‌های خواهر بسیطی آن‌ها تحقیر شدند.

علیرغم تمام کارشکنی‌های و کنار گذاشته شدن این اثر در بخش ملی جشنواره حقیقت، تفنگ برادرم به دو جایزه دست پیدا کرد. البته اگر با فیلم بهتر رفتار می‌شد، به شهرت بیشتری دست می‌یافت. با وجود آنکه مدت زیادی از انقلاب گذشته اما یک قهرمان زن واقعی معرفی نشده است و من اگر خودم با مدارک و مستندات مواجه نمی‌شدم، تصور می‌کردم که این مطالب افسانه است. من امیدوارم این فیلم باعث شود که خواهر بسیطی در میان توده مردم بیشتر شناخته شود و آگاهی مردم نسبت به این شخصیت افزایش بیاید.

■ به شخصه به چه گونه ایده‌هایی برای ساخت آثار اهمیت می‌دهید؟

یکی از علایقم شخصی‌ام حضور قهرمان در آثارم است و تمام تلاشم این است که در آثارم قهرمان داشته باشم. مردم نیز قهرمان دوست دارند و با وجود اینکه ممکن است اثر در برخی مواقع غمگین ظاهر شود اما حضور یک قهرمان شور و شوق مخاطب را به‌ارمغان می‌آورد.

■ فضای جشنواره فجر امسال رو چطور می‌بینید؟ فکر می‌کنید که تفنگ برادرم با استقبال مخاطبان مواجه می‌شود؟

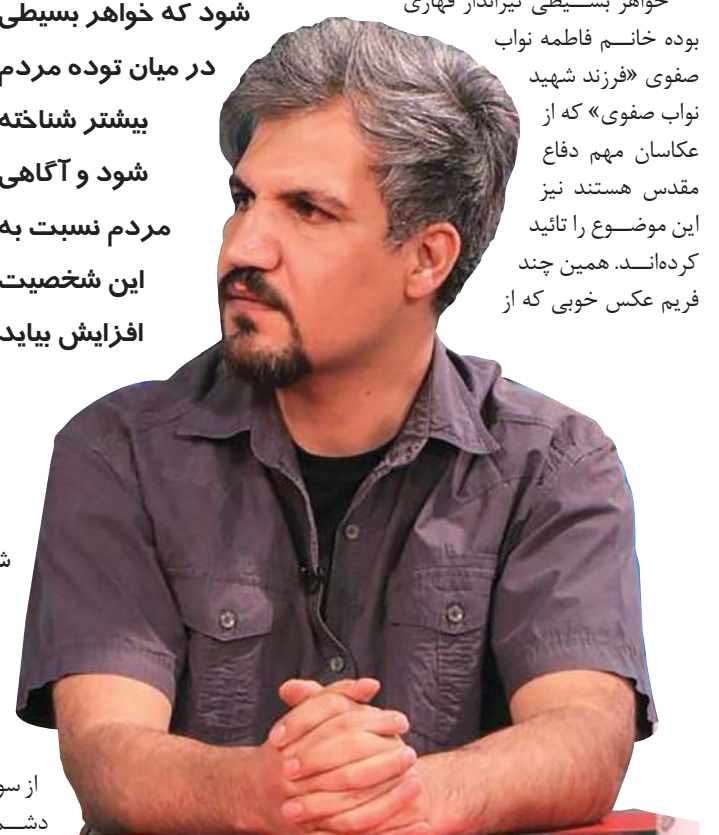
حتماً. به شرط آنکه با فیلم‌ها به طور مساوی برخورد شود. به طور مثال از من و فیلمم در جشنواره حقیقت هیچ گفتگو یا

تقدی در سایت یا درگاه‌های فضای مجازی سینما حقیقت البته بجز جلسه فیلم خبر. البته عزیزان روابط عمومی حقیقت بعد از مشخص شدن برندگان مصاحبه‌ی کوتاهی جهت خالی نبودن عریضه با بنده داشتند.

■ برای ساخت این فیلم با چه چالش‌های مواجه بودید؟

اطلاعات زیادی از خواهر بسیطی به صورت شفاهی وجود داشت که من آن‌ها را در پژوهش‌خانه به خانه کشف کردم؛ زیرا اعتقادی به پژوهش‌های گویلی ندارم و در تولید هیچکدام از فیلم‌ها به پژوهش‌گویی اکتفا نکردم. راجع به خواهر بسیطی نیز من گیلان غرب را خانه به خانه می‌گشتم. تنها فیلم و اطلاعاتی که از ایشان موجود است هشت دقیقه فیلم ۱۶ میلیمتری است که البته در آن فیلم نیز سه دقیقه خواهر بسیطی درباره روز نبرد صحبت می‌کند و پنج دقیقه دیگر را برادرشان در حال صحبت کردن هستند و خواهر بسیطی تنها داخل کادر حضور دارد. من برای هر آنچه که در اثر می‌بینید تلاش زیادی کردم و یک کلمه آن را براساس تخیل خود نگفتم.

اثر لایه‌های مختلفی دارد و مخاطب با یک بار دیدن تنها کلیتی از داستان دستگیرش می‌شود و در هر بار دیدن اطلاعات جدیدی به بیننده می‌دهد. «تفنگ برادرم» تاریخ انقضا ندارد!





## شمایل یک بازیگر

«کامران تفتی» سودای فجر:

«مرگ کسب و کار من است»  
و «پایان نامه»

«امین حیایی» سودای فجر:

اخراجی‌ها، دارکوب، شعله‌ور،  
درخونگاه، دایره‌زننگی

دیده شده در «مرگ کسب و کار من است»

دیده شده در اخراجی‌ها ۱

عبدالله اسکندری چهره پرداز:

سطح گریم از سینما  
جلوتر است

## ■ تبسم کشاورز

عبدالله اسکندری چهره‌پرداز را از سال ۱۳۵۱ و زیر نظر «بیژن محتشم» در تلویزیون آغاز کرد. او تاکنون ۵ بار سیمرغ بلورین بهترین چهره‌پرداز جشنواره فیلم فجر را دریافت و بیش از ۱۶۰ پروژه سینمایی و تلویزیون را در ایران طراحی کرده است که از جمله کارهای او می‌توان به «هزارستان»، «مثل آباد»، «گوزن‌ها»، «کندو»، «سایه‌های بلند باد»، «دست فروش بانو»، «روز واقعه»، «آدم‌برفی»، «دلشدگان»، «مادر» و ... اشاره کرد. اسکندری از جمله هنرمندانی است که کارش را بر اساس شخصیت و صحنه‌های فیلمبرداری انجام می‌دهد و می‌گوید: فیلم سینمایی «مادر» و «عروسی خوبان» از جمله کارهای متفاوت و لذت‌بخش او در جشنواره فیلم فجر بوده است.

در ادامه با «عبدالله اسکندری» چهره‌پرداز سینما و تلویزیون گفت‌وگویی در خصوص جشنواره فیلم فجر، جایگاه چهره‌پرداز در ایران و ... داشته‌ایم که می‌خوانید.

■ شما از رکوردداران کسب سیمرغ در «جشنواره فیلم فجر» هستید. در این سال‌ها کیفیت فنی جشنواره را از ابتدا تا به امروز که به ۴۰ سالگی خود نزدیک می‌شود، چگونه می‌بینید؟

حقیقتاً من از فضای مجازی متوجه شدم که جشنواره فیلم فجر در حال برگزاری است. از نگاه من کیفیت و ارزش جشنواره پایین آمده است و اعتبار گذشته را ندارد. متأسفانه جشنواره‌ها آنقدر زیاد شده‌اند که اعتبارشان را از دست داده‌اند. ما مرتب شاهد جشنواره‌های مختلف هستیم. در هر جشنواره‌ای هم عده‌ای را انتخاب می‌کنند بنابراین معلوم می‌شود که این جشنواره‌ها فقط برای اسم راه افتاده‌اند و هدفشان ارزیابی سینماگران نیست.

■ از نگاه شما بهترین دوره جشنواره کدام سال‌ها بودند؟

به نظر من جشنواره فیلم فجر در سال‌های ۶۳-۶۲ که فیلم‌های آقای بهرام بیضایی، علی حاتمی، مسعود کیمیایی و ... را داشتیم بسیار خوب بود.

■ سیاست‌هایی که جشنواره در این سال‌ها داشته چگونه بوده است؟

جمعی که داور می‌کنند باید کمی هم با مسائل دیگر مانند صدا، تصویر، طراحی صحنه، لباس و ... آشنا باشند. وقتی عده‌ای داور می‌شوند که تخصصشان چیزهای دیگری است، نمی‌دانم که روی کارها چگونه و براساس چه معیاری قضاوت می‌کنند. بدبختانه قضاوت‌ها آنچنان که باید حرف‌های نیستند.

■ وضعیت گریم در سینمای ایران چگونه است؟

وضعیت گریم از سینما کمی جلوتر است. چون آقای بیژن محتشم در سال‌های دور و قبل از انقلاب به مدت شش ماه

برای گذراندن دوره به آمریکا رفته بودند. ایشان نسل ما تربیت کردند یعنی ما با آخرین تکنیک‌های گریم در سال ۵۲-۵۱ آشنا بودیم. آن زمان طراح و منشی صحنه نداشتیم، فقط فیلمبردار، کارگردان، مدیر تهیه و بازیگران بودند. به همین دلیل گریم در مملکت ما پیشرفت کرد. اگر در خاورمیانه کارهای گریم سنگینی دیدید، بدانید که کار بچه‌های ایران است. در گذشته کشورهای عربی وقتی می‌خواستند یک سریال تاریخی بسازند از گریمورهای روسی، اروپایی و آمریکایی استفاده می‌کردند، اما وقتی کار بچه‌های ایرانی را دیدند و با ایرانی‌ها همکاری کردند، متوجه شدند گریم معنای دیگری دارد.

■ آیا جایگاه چهره‌پرداز ما نسبت به کشورهای دیگر در وضعیت مطلوبی قرار دارد؟

۲۰ سال پیش در مسابقه‌ای در آمریکا شرکت کردم و جزو ۱۰ گریمور بزرگ و برجسته جهان آن روز شدم. آن‌ها فکر می‌کردند که ما همچنان چادرنشین و شترسوار هستیم. وقتی من پیرزن «دست فروش» را برای مسابقه فرستادم جزو ۱۰ انتخابی بود که آن‌ها داشتند.

متأسفانه آن زمان هیچ روزنامه‌ای به این موضوع نپرداخت که جوان‌های امروز بدانند. شما فکر کنید این کشورهای عربی و خلیجی که با پول، تکنیک را می‌خرند هنوز هم گریمور در حد بچه‌های ایران ندارند. سریال‌های ماه رمضان‌شان را اگر ببینید تمام کارهای گریمش را بچه‌های ایرانی انجام داده‌اند.

من اولین کار گریم را برای بهروز وثوقی در فیلم «گوزن‌ها» انجام دادم. بیشتر کار گریم پیشنهاد خودم بود. آن‌ها فقط گفتند یک معناد می‌خواهند و من پیشنهاد دادم که برویم دندان‌سازی، دندان مصنوعی بسازیم تا فک جلو بیاید. در کل این اتفاقات پای

## در گذشته کشورهای عربی

وقتی می‌خواستند یک

سریال تاریخی بسازند از

گریمورهای روسی، اروپایی و

آمریکایی استفاده می‌کردند

اما وقتی کار بچه‌های ایرانی

را دیدند و با ایرانی‌ها

همکاری کردند، متوجه

شدند گریم

معنای دیگری دارد



شاد باشد، من هم براساس حالت‌ها و صحنه‌ها کار گریم را انجام می‌دادم، برای همین وقتی آن فیلم سیمرغ گرفت بسیار خوشحال شدم.

یکبار هم سر فیلم سینمایی «عروسی خوبان» محسن مخملباف بود که مجدداً همین کار را انجام دادم. پسری نقش یک موجی را بازی می‌کرد و من هماهنگ با سکانس‌ها و صحنه‌ها کار گریم او را انجام می‌دادم.

گریمورها را در سینما باز کرد و کم‌کم نیاز به گریمور در سینما احساس شد.

■ کدام کار گریم برای‌تان متفاوت‌تر از بقیه بوده است؟

در فیلم سینمایی «مادر» بود که به آقای آذر پیشنهاد دادم و گفتم بگذارید با صحنه‌های فیلمبرداری کار گریم را انجام دهیم. برای مثال می‌خواستند در یک سکانس حالت‌های روحی خراب یا



شناسنامه

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا  
مدیرمسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی  
دبیر تحریریه: مسعود کارگر  
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵

- www.rooznamehsaba.ir
- rooznamehsaba
- rooznamehsaba
- rooznamehsaba

نشانی: خیابان آیت الله مدنی، کوچه خجسته منش، پلاک ۵  
چاپ: خجسته نوین  
توزیع: نشر گستر امروز

کاریکاتور روز



گالری عکس صبا در روز دوم جشنواره



عکس‌ها: کوروش جوان

نماوا ۱۹

فصل پنجم جشنواره فیلم فجر  
FAJR FILM FESTIVAL دوره چهلم، بهمن‌ماه ۱۴۰۰

نماوا  
تماشای آنلاین فیلم و سریال  
namava.ir